

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۰۹ مارچ ۲۰۲۱

پاسخ دلیرانه خلق آزاده بلوچ به ددمنشی های جمهوری اسلامی

بار دیگر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با به خاک و خون کشاندن فقیرترین و محروم ترین مردم استان سیستان و بلوچستان در منطقه مرزی نزدیک به سراوان، مشهور به "بم پشت" و "اسکان"، پرده دیگری از جنایت و دیکتاتوری و سرکوب خود را در مقابل چشم مردم ایران و جهان به نمایش گذاشت. در روز دوشنبه چهارم اسفند ماه، نیروهای نظامی رژیم فاسد جمهوری اسلامی با به رگبار بستن سوخت بران بلوچ، باعث کشته و رخمی شدن تعداد زیادی از این زحمتکشان شدند، زحمتکشان و مردمی که گناه شان روی آوردن به این شغل پر خطر، برای بدست آوردن لقمه نانی جهت تامین زندگی خود و خانواده اشان بوده است.

بدنبال این جنایت، در روز سه شنبه پنجم اسفند ماه، یعنی روز بعد از به رگبار بستن سوخت بران زحمتکش بلوچ، خانواده ها و مردم زحمتکش در شهر سراوان در اعتراض به جنایت صورت گرفته، در مقابل فرمانداری شهر دست به تجمع اعتراضی زدند که این اعتراضات نیز با گلوله و گاز اشک آور پاسخ داده شد. این وحشیگری رژیم باعث خشم و نفرت بیشتر توده های معترض بلوچ گردید، بطوری که آنها به فرمانداری شهر حمله کرده و آنجا را به اشغال خود در آوردند. مردم به حق خشمگین بلوچ با تسخیر و به آتش کشیدن فرمانداری شهر که نماد قدرت و حکومت رژیم ارتجاعی حاکم میباشد، به درستی انگشت بر روی عاملان قتل و کشتار مردم بلوچ گذاشتند. این مردم شجاع، در ادامه اعتراضات و مبارزات قهرمانانه خود، برای مدتی نیمی از سراوان را به کنترل خود در آوردند. بطوری که کارگزاران و مزدوران رژیم از ترس پا به فرار گذاشته و شهر را ترک کردند.

بر اساس برخی گزارشات منتشر شده، در جریان به رگبار بستن سوخت بران بلوچ، حدود ۳۷ نفر کشته و تعداد بسیار زیادی زخمی شدند. یکی از فعالان بلوچ در این زمینه گفته است: هنوز از آمار کشته شدگان خبر درستی در دست نیست، چرا که تعدادی از کشته شدگان را به سمت پاکستان کشانده اند که آمار آن از دست ما خارج است. در همین حال پس از کشتار سوخت بران، یکی از آنها که به بیمارستانی در پاکستان منتقل شده می گوید: ۳۰ تا ۴۰ نفر در حوادث سراوان کشته و زخمی شدند که بیشتر نو جوان بودند، ماموران سپاه حتی مجروحان را کتک می زدند.

فروش سوخت در مرز بین بلوچستان و پاکستان با این که عمدتاً در کنترل شبکه های وابسته به نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد، اما حرص و طمع این نیرو ها پایانی ندارد. سپاه پاسداران رژیم می خواهد فروش سوخت را بطور انحصاری در دست خود بگیرد. بگفته خود رژیم، سپاه پاسداران امنیت مرزهای این منطقه را بر عهده

گرفته (بخوان سودآوری قاچاق) و با دیگر نیروهای نظامی و امنیتی، قرارگاهی مشترک در سیستان و بلوچستان بوجود آورده اند. در هر حال امروز سپاه پاسداران و ارگان های دیگر رژیم، ۷۰ درصد از در آمد سوخت بری را بخود اختصاص داده و تنها ۳۰ درصد از آن برای سوخت بران بلوچ باقی مانده است. ولی نیروهای سرکوبگر رژیم می خواهند همین ۳۰ درصد را هم به انحصار خود در بیاورند. تا قبل از این درگیری، رژیم دزد و غارتگر حاکم، مدعی طرحی بنام "رزاق" برای مرز نشینان بود. بر اساس این طرح، مرز نشینان کارتی برای فروش سوخت دریافت می کردند. بر اساس طرح "رزاق" به هر ۵ خانوار یک کارت تردد تعلق می گیرد که البته باید برای آن ۵ میلیون تومان بپردازند. بدین طریق هر خانواده می تواند در هر ۵ روز ۳ هزار لیتر سوخت را از مرز عبور دهد و آن را در آن سوی مرز بفروش برساند. البته این پایان کار نیست؛ زیرا سوخت بران زحمتکش باید بخش بزرگی از ارزی که از فروش سوخت به دست می آورند را به پاسداران تحویل بدهند تا مجوز کارت فروش سوخت را داشته باشند. بنابراین بر اساس طرح رزاق، تنها مبلغ ناچیزی برای سوخت بر می ماند. اما پاسداران دزد و غارتگر از همین در آمد ناچیز سوخت بران هم نگذشتند، به طوری که در روز چهارم اسفند، مرز را به روی سوخت بران بلوچ بسته، و در پی اعتراض آنان، پاسداران جنایتکار رژیم، مردم زحمتکش را به رگبار بسته و ده ها تن از سوخت بران را کشته و زخمی کردند. امری که نشان داد آنها حتی در بلوچستان، به عنوان فقیرنشین ترین منطقه ایران هم برای تامین منافع غارتگرانه خود کوچکترین حقی برای مردم و زندگی و معاش آنان قائل نیستند و به راحتی دست به سرکوب و کشتار مردم می زنند.

در پی درگیری شدیدی که بین مردم و نیروهای سرکوبگر به وجود آمد، دست اندرکاران جمهوری اسلامی، بر طبق سیاستهای سرکوبگرانه خود و جهت بوجود آوردن رعب و وحشت در میان مردم، به تعداد زیادی از شهروندان این استان، پیامک های هشدار آمیز فرستادند که نمونه آن چنین است:

"تذکر و هشدار؛

فعالتهای غیر قانونی شما در انتشار و باز نشر محتوای مجرمانه در فضای مجازی بخصوص شبکه اجتماعی واتس آپ محرز شده است. در صورت تکرار و عدم توجه به هشدار، تحت پیگرد قانونی قرار خواهید گرفت.

مرکز مقابله با جرائم سایبری".

این پیام ها برای تعداد زیادی از اهالی در شهرهای بلوچ نشین ارسال گردیده است. هم زمان طبق تجربه خیزشها و قیام های صورت گرفته در قبل در نقاط مختلف ایران، با گسترش مبارزات مردم بلوچ، رژیم حاکم در شهرهای این استان هم با تشدید فضای امنیتی، بطور کامل اینترنت این منطقه را قطع کرده تا بتواند بهتر به اهداف سرکوبگرانه و وحشیانه اش فائق آید. در همین راستا مردم ایرانشهر و زاهدان شاهد پرواز هلیکوپترهای نظامی در این منطقه شدند که برای سرکوب معترضین در حال گشت زنی بودند. اما خشم و نفرت و مبارزات سلحشورانه مردم با وجود جو سنگین نظامی و امنیتی در شهرهای زاهدان، ایرانشهر، جاسک، چاه بهار و... ادامه داشته و خبرها حاکی است که در چندین شهر و نواحی روستایی با وجود سرکوبهای وسیع، اعتراضات همچنان در حال گسترش است.

واقعیت این است که رژیم منفور جمهوری اسلامی، مسبب روی آوری مردم و جوانان به کارهای پر خطر و مشقت بار نظیر سوخت بری می باشد. مردم و جوانان این مناطق از کوچکترین امکانی برای داشتن شغل و یا درآمدی برای امرار معاش برخوردار نیستند و از حداقل امکانات یک زندگی حتی بخور و نمیر نیز محروم می باشند. در صورتی که وابستگان این رژیم جنایتکار با درآمدهای نجومی و سر بفلک کشیده شان که از استثمار و دسترنج همین کارگران و زحمتکشان میباشد، حساب های بانکی خود را پُر و زرادخانه هایشان را نیز برای سرکوب هر گونه مقاومت و مبارزه

مردمی تجهیز کرده اند. امروز دیگر آشکار شده است که سردمداران و دست اندرکاران رژیم دزد و غارتگر جمهوری اسلامی که دزدهای میلیاردی آنها امروز برای همگان معلوم می باشد، طی چند سال گذشته صدها میلیارد دلار از کشور خارج کرده اند. در چنین اوضاعی است که جمهوری اسلامی دست نیروهای سرکوبگر خود را برای سرکوب خونین مردم رنجدیده و تحت ستم ایران که به این وضع نابسامان معترضند را نیز باز گذاشته و حال در بلوچستان، سوخت برانی را که برای تأمین زندگی خود و خانواده هایشان و در واقع برای به دست آوردن لقمه نانی خود را به آب و آتش می زنند، به رگبار گلوله می بندند.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با چپاول دسترنج توده ها و قرار دادن آنها در مرداب فقر و فلاکت و همچنین سرکوب ددمنشان مردم در سراسر ایران، کارد به استخوان رنجبران رسانده و به همین دلیل هم هر از چند گاهی خشم و نفرت مردم در جایی منفجر شده و سیل خروشان اعتراضات و مبارزات به حق توده های تحت ستم را سبب می شود.

در پی کشتار وحشیانه سوخت بران بلوچ، موج اعتراضات، اعتصابات، شعارنویسی و غیره در حمایت و پشتیبانی از آنان شکل سراسری بخود گرفت، چنانچه روز بعد از کشتار چهارم اسفند، اعتراضات به سراسر سیستان و بلوچستان کشیده شد و مناطقی چون ایران شهر، قلعه بید، زاهدان، شورو، سرچنگل، و میر جاوه را در برگرفت و همزمان در این مناطق در حمایت و پشتیبانی از سوخت بران بلوچ، مغازه ها و بازارها بطور کامل بسته گردید. در ادامه این اعتراضات در کرمانشاه نیز مردم با به صدا درآوردن بوقهای پیایی ماشین هایشان به پشتیبانی مردم رنجدیده بلوچ پرداختند.

در برخی از شهرهای کردستان و استان کرمانشاه و همچنین در تهران، کرج، مشهد و.... مردم با اعتراضات و شعار نویسی از مبارزات مردم بلوچ پشتیبانی کرده و در یکی از متروهای تهران بر روی دیوار شعاری نوشتند به این مضمون: "ما همه بلوچیم".

واقعیت این است که تجربه ۴۲ سال چپاول و کشتار رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی، امروز کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای ایران را به جایی رسانده است که آنها کوچکترین شک و تردیدی در این واقعیت ندارند که مانع اصلی رسیدن آنها به آزادی و دموکراسی و جامعه ای را از فقر و فلاکت و ظلم و ستم همانا جمهوری اسلامی می باشد. به همین دلیل هم مردم با همه وجود خواهان سرنگونی این جرثومه فساد و تباهی می باشند. خواستی که هر کجا حشم و نفرت مردم سر باز کند خود را به آشکاری نشان می دهد. همانطور که این روزها در سراوان شاهد آن بودیم. به همین دلیل هم وظیفه همه مردم ستمدیده و نیروهای انقلابی و مبارز است که در حمایت از مبارزات حق طلبانه زحمتکشان و رنجبران بلوچ در مقابل رژیمی که هیچ زبانی به جز زبان زور و گلوله نمی فهمد، بپا خیزند و با توسل به قهر انقلابی سازمان یافته ، پاسخ قهر ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را داده و شرایط را جهت سرنگونی این رژیم ددمنش آماده سازند.

اسفند[حوت] ۱۳۹۹